زمان

اجتماعی فرهنگی اقتصادی ورزشی

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان

مدیر مسئول: محمود حیدری

سردبیر: سعید حیدری

Web: zamandaily.ir

Email: Info@zamandaily.ir

تلفن: ۸۸۱۰۱۸۷۳ / ۸۸۴۸۱۸۹۰-۹۱

تعاریر: ۸۸۱۰۱۸۷۴

نشانی: خیابان ولیعصر، ابتدای خیابان اسد آبادی خیابان ششم، پلاک ۳، طبقه دوم

امتیاز طرح ارزیابی کیفی: ۴۰ رتبه آگهی: ۴

چاپ: کارگر

اوقات شرعی

اذان صبح ۴/۱۲

اذان ظهر ۱۳/۰۱ اذان مغرب ۲۰/۳۰

سخن حکیمانه

آن قدر که از دست دادن چیزی، ما را افسرده می کند، از داشتن همان چیز احساس خوشبختی نمیکنیم. و این ذات آدمیزاد هست!

ژان پل سارتر

در دنیای کتاب

ترجمه کتاب گورباچف درباره دنیای رو به دگرگونی منتشر شد

ترجمه کتاب «دنیایی رو به دگرگونی» اثر میخائیل گورباچف آخرین رئیس‌جمهور شوروی توسط انتشارات نیستان منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش زمان به نقل از مهر به نقل از روابط عمومی انتشارات کتاب نیستان، کتاب «دنیایی رو به دگرگونی» نوشته میخائیل گورباچوف آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق به‌تازگی با ترجمه شهرام همت‌زاده توسط انتشارات کتاب نیستان منتشر و راهی بازار نشر شده است. از این کتاب به‌عنوان وصیت‌نامه گورباچف یاد می‌شود.

گورباچوف به عنوان آخرین رهبر شوروی شخصیتی چندگانه در اقلیم این‌کشور و حتی کشورهای مستقل شده از آن پس از واقعه فروپاشی است. از سویی برخی شجاعت او در روبرو شدن با حقایق موجود در بستر این سیستم را می‌ستایند و از سویی دیگر برخی او را به عنوان سیاستمداری که کشور را به یک پیتزا فروخته است یاد می‌کنند که این آخری اشاره‌ای به حضور وی در تبلیغات حضور یک برند مشهور مواد غذایی در روسیه دارد.

نویسنده کتاب پیش‌رو، به اعتبار همین شخصیت همواره چهره‌ای چند لایه و قابل تامل و اظهارنظرهای وی نیز محل توجه بسیاری بوده است. «دنیایی رو به دگرگونی» نیز به همین اعتبار و به خاطر گردهم آوردن مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و اظهارنظرهای وی درباره وقایع سیاسی و اجتماعی روز جهان و پیرامونش قابل توجه است. این کتاب در بخش های خود دربرگیرنده یادداشت‌هایی کوتاه است که هر یک از آنها به بهانه‌ای سیاسی و یا اجتماعی و یا موضوعی خاص از سوی گورباچف نوشته شده است.

این کتاب با ۳۸۴ صفحه و قیمت ۹۳ هزار تومان منتشر شده است.

سینما؛ مرز میان خیال و واقعیت

● رحیم ختو
دکتری علوم سیاسی

یادداشت زیر حدیث نفس نگارنده و تلاقی واقعیت و رویاست و اگر علمی نیست بر آن نباید خرده گرفت، چون کتگری خاص است. سینما و زندگی برای نسل ما حکایتی گنگ از مرز میان خواب و بیداری و یادآور گرگ و میش بین شب و شفق است. آیا سینما زندگی ما را شکل داده و آپارات وار چون چراغی از پس سر، چشم ما را به جهان ناشناخته می گشاید. تا در جستجوی رویاهایمان باشیم؟ با ورود به سالن سینما ابتدا از جهان واقعی جدا می شویم و با ورود به تاریک خانه ایی خیره بر پرده ای که نور از پس آن می تابد و با تصویر، نور و حرکت و صدا ،چون فرشته ی مهربان سیندرلا (با چوب جادویی) دنیایی خیالی می سازد تا تلخی را به شیرینی،دردرا به درمان، نقص را به کمال و ناکامی را به کامیابی تبدیل کند ما در این لحظات خود را با قهرمان داستان یکی می پنداریم و گمشده یا نداشته خود را در قهرمانانجستجومی کنیم.ام ارویاهمیشهماندگارنیستوآخرین سکانسفیلمچونآخرینقیامبهساعت درنیمه شب سیندرلا است که ما را دوباره به جهان واقعی پرتاب می کنند و آیاینکه لنگه کفش بلورین باشد که بتواند رویا را با واقعیت پیوند دهد؟ خود حکایتی است.

اما روی دیگر سینما که در مطالعات فیلم مورد بررسی قرار می گیرد، سینما به مثابه آینه، بازتاب دهنده واقعیت است، سینما هرچند قصه و حکایت و مجاز است. هرچند چون آینه بازتاب دهندهاما باشرح و بسط ویا جدا کردن لحظه ای از زندگی، هرگز قادر نخواهد بود در یک یا دو ساعت واقعیت را بسازد. گاهی چند سال و قرن در ساعتی فشرده وهنگامی،ثانیه ای را دو ساعت می سازد و در همان لحظات کوتاه به ما می گوید چه کسی هستیم و در کجا و چگونه زندگی می کنیم. حکایت نسل ما با سینما و فیلم کمی متفاوت با نسل جدید است. ما به سختی می توانستیم هفته ای یک فیلم ببینیم .با پول بلیط را نداشتیم یا تعداد فیلم ها محدود بودند. لذا حداقل یکهفته تا ده روز ذهنمان درگیر فیلمی بود که دیده بودیم .برای نسل من سینما هم رویا بود و هم آینه، هم ایدئولوژی می ساخت و هم تلخی زمانه را به کام ما می ریخت.

سینما زندگی مرا نیز دستخوش تغییر کرد و بار اول در سال ۱۳۶۰ که می بایست برای ورود به مقطع دبیرستان (هنرستان فنی) کنکور می دادیم ،که از قضا در کنکور هنرستان فنی پذیرفته شدم و ثبت نام کردم ولی روز اول مهر چون کلاس تشکیل نشده بود به مدرسه دیگری که دوستانم در رشته انسانی بودند برای بازی رفتیم. اما اتفاق دیگری رقم خورد و دبیری در آنجا دیدیم که انگار آن را در رویا دیده بودم. هفته آخر شهریور ۱۳۶۰ تلویزیون که فقط دوشبکه داشت،وهفته ای یک فیلم سینمایی درعصر جمعه نمایش می داد، فیلم خوب، بد، زشت را نمایش داده بود. دبیری که دیدم که شباهت بسیاری با بلوندی‌قهرمان فیلم سرجولئونه یعنیکلینت ایسستوود داشت وعلوم اجتماعی را بسیار عالی تدریس می کرد.

این دبیر آقای خداداد باعث شد رشته تحصیلی من از فنی به انسانی تغییر یابد، لذا علاقه به این دو شخصیت خداداد واقعی و بلوندی مجاز، سرنوشت تحصیلی و زندگی مرا تغییر داد.

بار دوم در اوایل دهه ۱۳۸۰ وقتی رئیس دانشکده علوم سیاسی بودم، در اوج فشارها، دانشجویی فیلمی برای دیدن به من داد به نام داگ ویل(فون تریه) خلاصه سخن این فیلم، که باید مواظب آدمهای به ظاهر ساده اطراف باشیم وچگونه محیط و ناهنجاری ها بر ارزش ها تاثیر منفی می گذارد. این اثر چشم مرا بار دیگر به سینما به عنوان پدیده چدی باز کرد و در پی جای خالی سینما در علوم سیاسی برآمدم و اینکه چرا که ژانری به نام ژانر سیاست در سینما نداریم؟آن را ناشی از برج عاج نشینی استادان علوم سیاسی و ندیدن پدیده های جدید در دانش سیاسی تلقی کردم ،اگر نقدفیلم به علوم سیاسی راه میافت قطعا پدیده ای به نام ژانر سیاسی هم در سینما داشتیم. در حالیکه بسیاری از آثار سینمایی با رویکرد سیاست قابل مطالعه و نقد است. نتیجه فیلم فون تریه ،دیدن مقالات و آثار مطالعات فیلم و تحلیل گفتمان و نهایت تدریس درس علوم سیاسی و سینما در دانشگاه شد.

حدود ۱۵ سال پیش در آستانه چهل سالگی که سن پختگی است، در ایام نگارش رساله دکتری، تصادفا مشغول دیدن فیلم شعله(هندی) شدم، تماشای این فیلم تا پاسی از شب به طول انجامید که همسرم آمد و گفت مگر صبح نمیخواهی به سرکار بروی؟در عین اینکه دوست داشتم فیلم را تااتنها ببینم، تلویزیون را خاموش کردم اما ذهنم به شدت مشغول شد و این سوال پیش آمد که چه اتفاقی برای من و نسل من رخ داده که در چهل سالگی و سن کمال باید مشتاق دیدن فیلمی باشیم که نوجوانی و جوانی و در عصر انقلاب و آرمان آنرا مذموم میدانستیم.

آیا حکایت نسل من روایت از داستان « مورد عجیب بنجامین باتن» (دیوید فینچر) نبود که اتفاقا در همین سالها ساخته شده بود. حکایت کودکانی که پیر بدنیا می ایند و در استانه کمال رو به کودکی می روند نیست؟ نسلی که در کودکی میانسال شد.چگونه فیلمی که (شعله) در دهه ۵۰ یا ۶۰ برای نسل انقلابی غیر قابل تحمل بود در چهل سالگی وسوسه انگیز شد. نکته جالب تاریخ ایران در دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ شباهت بسیاری با فرانسه ۱۹۶۰ دارد در هر دو جوانانی آرمانگرا در پی تحقق رویاهای خود هستند، ولی یک یا دو دهه بعد واقعیت های اجتماعی مانند پتکی برسر آرمان و رویا فرود می آید و رویاها در تهاجم واقعیت قرار میگیرند.

سینما برای نسل من در ایران دو مدل قهرمان و رویا ساخت که نماد یکی محمد علی فروردین (علی بی غم)خوشحال و خنثی بود و دیگری بهروز وثوقی با چهره ای اعتراضگر درنفش: قیصر، قدرت، رضا موتوری. نسل ما عاشق قیصر، قدرت (گوزنها) و رضا موتوری شد و با صدا و ترانه فرهاد مردی را در «یه مرد بود» دیدیم که پلشنه را ور می کشد، چاقوی زنجانی بدست می گیردو می گوید: این نظام.. روزگارِ.. نزنی.. میزنتت و می گفت: «در دوره زمونهای که کسی حوصله داستان گوش دادن نداره» پنجه خونین خود را بر دیوار می نشاند، تصویری که بعدها در انقلاب بر دیوار ها دیده شد. همه شیفته این قهرمان طغیان گر شدیم ولی حرفش را نشنیدیم که می گفت:«سه دفعه که آفتاب بیفته سر اون دیفال و سه دفعه که اذون مغرب و بگن همه یادشون می ره که ما چی بودیم و واسه چی مردیم» ما با این قهرمان وارد عرصه انقلاب شدیم اما با چهره ای جدید، و در پی آرمان های چون عدالت، آزادی، برابری، معنویت و برادری،انقلاب و جنگ را پشت سر گذاشتیم وچون رویاپردازان(دریمر،برتولوچی) سرشار از حسرت اعتراض و طغیان وارد دهه ۷۰ شدیم و چون تئو قهرمان داستان بین انقلاب و عقب گرد قرار گرفتیم.

واز میان این دو، حکایت revolutionary rood یا فیلم«جاده انقلابی» به کارگردانی سم مندس که حکایت زوج جوانی آمریکایی در دهه ۵۰ میلادی است، قرار می گیرم جاده ای انقلابی حکایت زوج جوانی است که چون دکتر فاستوس(گوته) ایمان و اعتقاد را به لذتو آسایش می فروشند و درپی رویایی آمریکایی یعنی،همسر،فرزند،خانه هستند و برای بدست آوردن آن، روح خود را می فروشند، حکایتی که برای نسل ما خیلی نا آشنا نیست. در عصر تقابل واقعیت ورویا ،شعار فیلم برتولوچی بصورت وحشتناکی چشم را خیره می کند: be realistic، ask for impossible «واقع گرا باشد، این واقعیت عصر ماست.»

در دهه ۸۰ تئاتری در تهران به صحنه رفت به نام ترانه های قدیمی اثر محمدرحمانیان در یکی از اپیزودهای آن داستان زنی(آذر) بازیگر که با نقش دستفروش روایتمیشود ، از گریمور جویای حال همسر سابقش فریبرز رسولی(کارگردان) است ، گریمور می گوید آقای رسولی در بیمارستان برای وضع حمل همسرش است.آذرمی گوید باید خیلی خوشحال باشه ، چون به مشروطه اش (ارزویش) رسید. آذر: خوب قراره اسمش رو چی بزارند؟ آرمان؟ چون رسولی می گفت اگه دختر باشه باران و اگه پسر شد آرمان.

گریمور:نزنش می گه: آرشام ،چون آرمان دیگه دهاتی شده.

آذر: مردها تالب عنچه ای می بینند آرمان ها رو می زارند زیر پا. چه مردان انقلابی و سختکوشی که در دهه ۸۰ و ۹۰ آرمان و رویاهایشان را با لب عنچه ای بیا وسوسه پست و مقام و پول زیر پا گذاشتند، مگر واقعیت زمانه چه بود که رویاهای انقلابی جای خود را با رویای آمریکایی(زن،فرزند،خانه،ماشین) داد؟ و وارد عصر تقلیل گرایانه ای شدیم که عشق در رابطه جنسی ،ورزش در قهرمانی،دانش در مدرک،موفقیت در پست و پول تقلیل و کاهش یافته است. انگار همه در لی لی پوت هستیم و سینمای ما هم به لطف کاپیتان لینچ ها دیگر گالیور تولید نمی کند.

همه ما چون سی باکستر(جک لمون) در فیلم آپارتمان(بیلی وایلدار)سوار بر آسانسور به هر قیمتی دنبال ترقی هستیم (۱۹۵۹) زمانیکه «آقایان، مو طلایی ها را .ترجیح می دهند» (هوارد‌فاکس ۱۹۵۳) خانم ها هم(مونرو) به پدر نامزدش می گوید : من به خاطر پسرتان با او ازدواج نمی کنم، بلکه بخاطر پول شما با پسرت ازدواج می کنم انگار ترانه های قدیمی رحمانیان را میشنویم که آذر در حسرت رویاهای از دست رفته می گوید، چی شد؟ که میگفتی به چشمات قسم تورا نمی خوام برای زندگی ، همه زندگی را می خوام برای تو..

چی شد؟

این رفت و برگشت واقعیت و رویا ،حکایت سینما و زندگی است. ایا سخن سامان مقدم در «نهنگ عنبر» سلکشون رویا و حکایت لزژنگ ، روایت نسل ملست؟ که بلاخره بعد از چهل سال انتظار به رویا می رسد. رویائی که شبیه به زن اثیری بوف کور صادق هدایت چندبار ازدواج کرده بود؟این رویا کدام رویا بود؟

امروز با حافظ

نفس برآمد و کام از تو بر نمی‌آید
فغان که بخت من از خواب در نمی‌آید
صبا به چشم من انداخت خاکی از کویش
که آب زندگیم در نظر نمی‌آید

کاریکاتور

افزایش شدید شکاف طبقاتی در دولت روحانی

خبر

داوران بخش عکس ششمین جشنواره فیلم و عکس فناوری و صنعتی معرفی شدند

طی حکمی از سوی بهزاد رشیدی دبیر ششمین جشنواره فیلم و عکس فناوری و صنعتی، داوران بخش عکس این جشنواره معرفی شدند.

به گزارش زمان به نقل از روابط عمومی جشنواره فردا؛ محمدمهدی رحیمیان، فرهاد فخریان و سروش کیایی آثار دریافت شده توسط بخش عکس جشنواره فردا را داوری و ارزیابی خواهند کرد. گ

*محمدمهدی رحیمیان متولد ۱۳۴۰ در شمیران است.

وی دارای رتبه نخست در آزمون سراسری رشته عکاسی گروه هنر و دانش آموخته ممتاز رشته عکاسی از دانشگاه هنر است.

رحیمیان دارای درجه یک هنر(دکتری) در رشته عکاسی است سابقه تدریس دروس تخصصی عکاسی و سینما در مقاطع دکتری، کارشناسی ارشد و کارشناسی در دانشگاه‌های مختلف را دارد.

وی عضو هیات موسس انجمن عکاسان صنعتی، تبلیغاتی و معماری ایران، رئیس هیات مدیره انجمن عکاسان ایران و عضو چندین انجمن تخصصی عکاسی دیگر است.

رحیمیان همچنین عضو شورای سیاستگذاری دومین جشنواره تجسمی فجر، دبیر بخش عکس دومین و چهارمین جشنواره تجسمی فجر، مدیر هنری نمایشگاه‌های خانه عکاسان ایران، عضو شورای هنری هشتمین جشنواره بین‌المللی تجسمی فجر، عضو شورای سیاستگذاری خانه عکاسان ایران و سابقه مشارکت در نهادها و انجمن‌های عکاسی دیگری را هم در کارنامه خود دارد. حضور در ۲۶ نمایشگاه و مسابقه داخلی و خارجی، نگارش ۲۷ عنوان کتاب، مقاله پژوهش و سخنرانی، داور ی بیش از ۱۵۰ جشنواره عکس داخلی و بین‌المللی بخشی دیگر از کارنامه محمدمهدی رحیمیان است.

*فرهاد فخریان متولد ۱۳۴۱ در آبادان است. فخریان جزء اولین دانش آموختگان دانشگاهی رشته عکاسی پس از انقلاب بوده است، وی پس از اخذ مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد عکاسی از دانشگاه هنر تهران برای عضویت در هیئت علمی گروه عکاسی دانشگاه ۸ آزاد واحد تهران مرکزی دعوت می‌شود و دارای ۱۶ سال سابقه عضویت در هیئت علمی این دانشگاه است. فخریان در سال ۱۳۹۶ موفق به اخذ دکترای هنرهای زیبا با گرایش عکاسی از دانشگاه یو اس ام مالزی می‌شود و بلافاصله به مدت ۲ سال پس از آن استادیار گروه هنرهای زیبا در دانشکده هنر این دانشگاه بوده است. او در طول ۳۴ سال سابقه آکادمیک، داور بسیاری از جشنواره‌های عکس داخلی و بین‌المللی بوده و نمایشگاه‌های عکس انفرادی و گروهی داخلی و بین‌المللی پر شماری را در کارنامه خود دارد.

*سروش کیایی متولد ۱۳۵۴ در تهران و دارای مدرک کارشناسی مرمت آثار تاریخی از دانشگاه هنر (پردیس اصفهان) و کارشناسی ارشد عکاسی دانشگاه هنر تهران است.

وی سابقه ی تدریس در دانشگاه هنر تهران، دانشگاه هنر اصفهان و چندین دانشگاه دیگر را در کارنامه خود دارد. برخی از سوابق اجرایی سروش کیایی شامل عکاسی از فرش ها و اشیاء موزه ملک، عکاسی مادون قرمز از اتاق نقاشی کاخ گلستان، آثار کمال‌الملک، نقاشی ۵۳ قطعه‌ای صف سلام فتحعلیشاه و همکاری برای کتاب(طهران تا تهران) می‌شود.

مناقصه عمومی نوبت دوم

شهرداری بندرامام خمینی (ره) در نظر دارد مناقصه جهت حصارکشی پارک بانوان و کارگاه تولیدی دیوار پیش ساخته یک طرف نما به طول ۱۴۰۰ متر با ارتفاع ۵/۲ متر را با برآورد اولیه ۱۳،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال را برگزار نماید. لذا از کلیه شرکتهای واجدشرایط، دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه به امور حقوقی و قراردادهای شهرداری مراجعه نمایند.

۱- موضوع مناقصه : حصارکشی پارک بانوان و کارگاه تولیدی دیوار پیش ساخته یک طرف نما به طول ۱۴۰۰ متر با ارتفاع ۵/۲ متر

۲- زمان دریافت اسناد مناقصه : تاریخ ۱۴۰۰/۳/۳ لغایت ۱۴۰۰/۳/۵

۳- محل دریافت اسناد : بندرامام خمینی (ره) بلوار آیت اله طالقانی - ساختمان مرکزی شهرداری امور حقوقی و قراردادها - تلفن ۴- ۲۲۲۲۰۲۰-۰۶۱۵

۴- مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد : فیش واریزی به مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب فراگیر بشماره ۱۰۸۳۰۵۷۳۸۲ نزد بانک تجارت شعبه مرکزی بنام شهرداری بندرامام خمینی (ره)

۵- زمان تحویل پیشنهادها : روز چهارشنبه ۱۴۰۰/۳/۱۲ از ساعت ۸ الی ۱۳

۶- محل برگزاری مناقصه : نشانی مندرج در ردیف ۳

۷- زمان بازگشایی پاکات : روز چهارشنبه ۱۴۰۰/۳/۱۲ توضیح اینکه به پیشنهادات فاقد امضاء - مشروط - مخدوش و یا اینکه بعد از موعد مقرر در بند ۵ آگهی مناقصه واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۸- تضمین شرکت در مناقصه : مبلغ ۶۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال که به صورت ضمانت نامه معتبر بانکی در وجه شهرداری و یا واریز وجه نقد به حساب ۰۱۰۵۴۲۴۸۸۱۰۰۰ بنام سپرده شهرداری بندرامام خمینی (ره) که می بایست در پاکت الف قرار گرفته و همزمان با سایر پاکت ها تحویل مزایده گذار گردد.

۹- سایر اطلاعات در اسناد مناقصه ارائه شده است.

۱۰- معاونت فنی نظارت شهرداری پاسخگوی سوالات تخصصی شما خواهد بود.

۱۱- اعتبار مناقصه از محل بودجه سال جاری شهرداری بندرامام خمینی (ره) می باشد.

چاپ اول : ۱۴۰۰/۲/۲۷
چاپ دوم : ۱۴۰۰/۳/۳۰

خرمی - سرپرست شهرداری

به شماره مناقصه ۷۲

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شوشتر

نظر به اینکه دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شوشتر در نظر دارد استعلام قیمت مناقصه خرید البسه و ملزومات بهداشتی بیماران بیمارستان و زایشگاه الهادی (ع) در سال ۱۴۰۰ از طریق مناقصه عمومی به صورت حجمی طبق موارد مشروح ذیل واگذار نماید . لذا از کلیه شرکت های واجد شرایط دعوت به عمل می آید وفق برنامه زمانبندی شده ذیل نسبت به اخذ اسناد مناقصه به آدرس : شوشتر - بلوار شهید شرافت - جنب سازمان امور مالیاتی - سازمان مرکزی دانشکده علوم پزشکی شوشتر ، شماره تلفن ۳۶۲۲۴۲۴۲ - ۳۶۲۲۸۶۶۰ یا به سایت دانشکده علوم پزشکی شوشتر به آدرس http://shoushtarums.ac.ir/ مراجعه نمایند .

شرایط شرکت در مناقصه :

۱- تصویر اساسنامه شرکت : لازم به ذکر است که موضوع فعالیت شرکت باید مطابق با موضوع فراخوان باشد

۲- شرکت کنندگان باید دارای تائیدیه صلاحیت اداره کار را داشته باشند .

۳- شرکت کنندگان باید دارای سوابق حسن انجام کار شرکت در خصوص موضوع مناقصه باشند .

۴- شرکت کنندگان باید دارای مدارک احراز هویت شامل :کپی تمام صفحات شناسنامه،کارت ملی مدیرعامل و اعضاء هیئت رئیسه و گواهی رسمی دفاتر اسناد رسمی

۵- شرکت کنندگان باید دارای استطاعت مالی باشند و حداقل ۳ ماه توان مالی لازم جهت ارائه خدمت و پرداخت دستمزد و مزایای کارکنان خود را داشته باشند.

مهلت دریافت اسناد : از ۱۴۰۰/۰۳/۰۲ لغایت ۱۴۰۰/۰۳/۰۸

مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد : فیش واریزی به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب بانک رفاه ۲۴۷۷۵۲۹۲۷ وشماره شناسه واریز ۹۷۰۵۱۷۱۴۲۲۲۰۰۰۵۸ بنام تمرکز درآمد درمانی دانشکده

میزان تضمین شرکت در مناقصه : مبلغ تضمین شرکت در استعلام قیمت مناقصه خرید البسه و ملزومات بهداشتی بیماران بیمارستان و زایشگاه الهادی(ع) ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است که می بایست بصورت ضمانتنامه بانکی و یا نقداً و با ارسال اصل فیش واریزی با پرفراژ و مهر بانک به شماره حساب ۲۴۹۷۹۶۸۸۰ بانک رفاه مرکزی شوشتر باشد و دارای اعتبار حداقل سه ماه و بنام دانشکده علوم پزشکی شوشتر صادر و اصل آن را در پاکت (الف) قرار داده شود .

مهلت ارسال پیشنهادات : از ۱۴۰۰/۰۳/۰۴ تا پایان وقت اداری روز یک شنبه ۱۴۰۰/۰۳/۰۹ میباشد .

محل تحویل پیشنهادات : شوشتر خیابان رجایی غربی - بیمارستان الهادی (ع) - اداره حراست دانشکده علوم پزشکی شوشتر

زمان گشایش پیشنهادات : روز دوشنبه ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر در منوی اخبار در سایت این دانشکده به نشانی http://shoushtarums.ac.ir/ مراجعه گردد و یا با تلفن ۳۶۲۲۸۶۶۰-۰۶۱ اداره قرارداد ها تماس حاصل فرمائید

مدیریت امور پشتیبانی و رفاهی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شوشتر